

بسم الله الرحمن الرحيم

اعجاز علمی در قرآن کریم



(ترجمه)

پرسش:

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته!

شیخ بزرگوار! الله متعال شما را در حفظ و امان خود داشته باشد؛ پرسش من در رابطه به اعجاز علمی در قرآن کریم است.
1- هدف از اصطلاح اعجاز علمی در قرآن کریم چیست؟ 2- آیا در قرآن کریم اعجاز علمی است؟ 3- آیا اعجاز بخش علم محسوب می‌شود یا کدام موضوع دیگری است؟

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمة الله و برکاته!

در رابطه به اعجاز علمی در قرآن کریم باید متذکر شوم که این اصطلاح در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب رضی الله عنهم معروف و شناخته شده نبود و یا به عبارت دیگر، استفاده نشده بود. برای وضاحت بیشتر به نقاط ذیل دقت نمائید:

۱. معجزه عبارت از امر خارق العاده (خلاف عادت) است که از مدعی نبوت (پیامبر ﷺ) در وقت چلنج دادن و به مبارزه طلبیدن منکرین اش طوری صادر شود که آنان را از آوردن مثلش ناتوان گرداند. اما در معجزه پیامبر و موجودیت دو مطلب لازمی است:

اول) اینکه خلاف عادت و فطرت باشد.

دوم) اینکه به وسیله آن منکرین نبوت به چالش کشیده شوند و در مقابل چلنج پیامبر و معجزه اش به زانو درآیند تا واضح شود که الله متعال پیامبر را توسط معجزه اش کمک می نماید.

معجزه حضرت محمد ﷺ که به وسیله آن نبوتش را ثابت می سازد، قرآن کریم است و رسول الله ﷺ در هنگام به چالش کشیدن منکرین اش به غیر از قرآن کریم با چیزی دیگری در مقابل شان مبارزه نکرده است. الله سبحانه و تعالی فرموده:

﴿قُلْ لئن اجتمعت الإنس والجن على أن يأتوا بمثل هذا القرآن لا يأتون بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا﴾

[اسراء: 88]

ترجمه: بگو: اگر همه انس و جن فراهم شوند، بر اینکه مانند این قرآن را بیاورند، نمی توانند مانند آن را بیاورند؛ هرچند آنان پشتیبان یکدیگرشان باشند.

و نیز فرموده:

﴿أَمْ يَقُولُونَ افترأه قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾

[هود: 13]

ترجمه: آیا می گویند: این (قرآن) را به دروغ بافته است؟ بگو: اگر راست می گویند (شما هم) ده سوره هه ساخته شده همانند آن را بیاورید و غیر از الله (سبحانه و تعالی) هر که را می توانید، فراخوانید، اگر راست می گویند!

هم چنان فرموده:

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَاذْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾

[بقره: 23]

ترجمه: و اگر در آن چه بر بنده خویش نازل کرده ایم، شک دارید، یک سوره همانند آن بیاورید و شاهدان خود را غیر از الله (سبحانه و تعالی) فراخوانید؛ اگر راست می گویند!

۲. اعجاز قرآن کریم در طرز بیان فصیح و بلیغ و حیرت‌انگیز می‌باشد، که این ویژگی‌ها در طرز بیان آن به طور آشکارا مشاهده می‌شود.

در اسلوب و طرز بیان قرآن، شفافیت کلام، قوت و زیبایی‌هایی مشاهده می‌شود که بشر از آوردن مثل اش عاجز می‌ماند. اسلوب عبارت از بیان معانی منظم در الفاظ متناسب است و یا هم اسلوب عبارت از چگونگی تعبیر برای به تصویر کشیدن معانی، توسط عبارات نوشتاری است. وضاحت اسلوب یعنی نمایان شدن معانی مراد در تعبیری که قرآن آن را در الفاظ بیان ساخته است. قوت اسلوب آن در الفاظ آن است که معانی را با هم پیوند می‌دهد. یعنی معنی و مفهوم نرم با الفاظ نرم و معنای سخت در الفاظ سخت و کوبنده می‌آید و معنی ناآشنا و با الفاظ ناآشنا آمده و در تمام حالات معانی قرآن به این شیوه و اسلوب بکار رفته است.

۳. تحقیق کننده در امور قرآنی به مرتفع‌ترین قله‌های اسالیب از قبیل وضاحت، بلاغت، قوت و زیبایی در هنگام پژوهش دسترسی پیدا می‌کند. هم‌چنان قرآن را به منهج خاص می‌یابد، طوری که تمام معانی قرآن با الفاظ آن همخوانی و مناسبت کامل داشته و در هیچ آیتی از آیات قرآن کریم در میان لفظ و معنی اختلافی وجود ندارد. پس اعجاز قرآن کریم در اسلوب و منهج خاص و منحصر به فردی است که که هیچ نوع مشابهتی با کلام بشر نداشته و کلام بشر نیز با قرآن مشابهت ندارد.

هم‌چنان اعجاز قرآن کریم در معانی است که با الفاظ و جملات آن همخوانی دارد. اعجاز قرآن از این دید است که هرگاه الفاظ قرآن در گوش‌های سامعینش واقع شود و انسان در معانی آن دقت نماید، بلاغت آن را درک می‌کند و بدون تردید از مقابله‌اش تا سرحدی عاجز می‌شود که آماده سجده بر آن می‌باشد و شنونده‌ای که معانی قرآن را درک کرده نمی‌تواند، در هنگام شنیدن آن شیوه معجزه‌آسایی که در الفاظ آن نازل شده، روح و روان را احساس آرامش داده و بالای آن تأثیرگذار می‌باشد؛ اگرچه معانی آن را درک کرده نتواند، به همین خاطر قرآن کریم معجزه است و تا روز قیامت معجزه باقی خواهد ماند.

۴. دلایل زیادی وجود دارد که معجز بودن قرآن را-در بخش‌های فصاحت و بلاغت- به اسلوب لغوی ثابت می‌سازد که قرار ذیل است:

الف) الله متعال از ابتدا برای اثبات نبوت پیامبران علیهم السلام معجزات را در اموری عطاء نموده است که مردم در آن قدرت و مهارت کامل داشته اند و این بخاطر آنست که پاسخ مستقیم به خصومات و چالش‌های همان عصر بوده باشد.

مانند این که موسی علیه السلام فرعون را در مورد سحر و جادو چلنج می‌داد (به مبارزه می‌طلبید) چون قومش با سحر و جادو از هرکسی دگر بیشتر آشنایی داشتند. عیسی علیه السلام قومش را به درمان امراض و زنده کردن شخص مرده چلنج می‌داد، چون قومش امور طبی را می‌دانستند. به همین طور، روش پیامبران گذشته بود. اما قوم حضرت محمد ﷺ نه در علوم طبیعی و نه هم در طب و سحر آشنایی و مهارت کامل داشتند، بلکه در فصاحت و بلاغت و زبان دست بلند و بالایی داشتند، طوری که شغل روزمره و مصروفیت شان گردیده بود و نزدیک بود به غیر از زبان و ارزش‌های آن به چیزی دیگری

اعتماد نمایند. آن‌ها همیشه در پی ساختار و ایجاد نثر فصیح و بلیغ و اشعار با وزن و قافیه بودند. بدین اساس در این موقع شایسته و مناسب همین بود که معجزه نبوت در علم فصاحت و بلاغت و کلام آشکارا می‌شد؛ چون عرب‌ها مشغول در این عرصه بودند و با آن آشنایی داشتند.

ب) قرآن کریم عرب‌ها را به آوردن یک سوره‌یی مثل سوره‌های آن چلنج می‌داد؛ حتی اگر سوره کوتاهی مانند سوره کوثر باشد و در این شبه‌ای نیست که در سوره کوثر و امثال آن از سوره‌های کوتاه قرآن کریم، موضوعات علمی بحث نشده است، بلکه تنها چیزی که در آن واضح شده است، روش نهایت فصیح و بلیغ بود که عرب‌ها از آوردن مثل‌اش عاجز می‌شدند.

ج) یگانه چیزی که عرب‌ها را در هنگام شنیدن قرآن کریم ناتوان و حیرت‌زده می‌ساخت و عجزشان ظاهر می‌شد، اسلوب لغوی و طرز بیان فصیح و بلیغ آن بود؛ نه چیزی دیگری، و این ویژه‌گی قرآن کریم از زبان خود عرب‌ها به تواتر نقل شده است تا سرحدی که بعضی از ایشان قرآن را سحر بیان می‌گفتند.

د) رسول الله ﷺ عرب‌ها را به آوردن موضوعاتی علمی، که در قرآن کریم بیان شده است، چلنج نمی‌داد؛ بلکه از آن‌ها خواستار آوردن مثل قرآن در نظم آن بود.

ه) قرآن کریم با معانی نزول یافت که عرب‌های زمان رسول الله ﷺ آن را می‌فهمیدند، چنانچه قرآن کریم بعضاً سخنان آن‌ها را نقل و روایت می‌نماید و از آن فهمیده می‌شود که عرب‌ها به معانی قرآن معرفت و آشنایی داشتند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا * أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا * أَوْ تَسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتَ عَلَيْنَا كَسَفًا أَوْ تَأْتِيَنَا بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا * أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ فَلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا﴾

[اسراء: 90 - 93]

ترجمه: و گفتند: به تو ایمان نمی‌آوریم تا آن که از زمین چشمه‌ای را برای ما روان کنی یا آن که باغی از خرما و انگور داشته باشی؛ آنگاه در میان آن جویباران را به خوبی روان کنی یا آن که آسمان را چنان که گمان می‌بری پاره پاره بر ما فرود آری؟ یا الله (متعال) و فرشتگان را رویا روی (ما) آوری یا خانه‌ای از زر و زیور داشته باشی یا در آسمان بالا روی؟ و فرار رفتنت را (هم) باور نکنیم؛ مگر آنکه کتابی از آسمان بر ما فرود آری که آن را بخوانیم. بگو: پروردگارم پاك است. آیا من جز بشری پیام آور هستم؟

این آیات قرآن حکایتی از کلام قریش و معانی محاورات ایشان را بیان کرده است، لیکن به روش و اسلوبی است که مردم قریش از آوردن مثل آن عاجز شدند؛ با وجود این که روایتی از گفته‌های خودشان بود. پس واضح می‌شود که وجه معجز

بودن قرآن کریم در اسلوب لغوی و طرز بیان فصیح و بلیغ آن است، نه چیز دیگری. از دلایل فوق واضح گردید که وجه اعجاز در قرآن محصور به اسلوب لغوی است و بس.

۵. کسانی که اصطلاح اعجاز علمی قرآن کریم را استفاده می‌کنند، هدفشان از این اصطلاح آن عده از موضوعات قرآن است که با نظریات و حقایق علمی مطابقت داشته؛ مانند این سخن الله متعال:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾

[مؤمنون: 12 - 14]

ترجمه: ما انسان را از عصاره‌ای گل آفریده ایم؛ سپس او را به صورت نطفه‌ای در آورده و در قرارگاه استوار جای می‌دهیم؛ سپس نطفه را به صورت لخته خونی و این لخته خون را به شکل قطعه گوشت جویده‌ای و این تکه گوشت جویده را به سان استخوان ضعیفی در می‌آوریم و بعد بر استخوان گوشت می‌پوشانیم و از آن پس او را آفرینش تازه‌ای بخشیده و پدیده دیگری خواهیم کرد. والا مقام و مبارک الله (سبحانه و تعالی) است که بهترین اندازه گیرندگان و سازندگان است.

لیکن این آیات و امثال آن دلالت به قدرت و توانائی‌های الله سبحانه و تعالی می‌کند؛ نه دلالت به اعجاز علمی قرآن، زیرا چون مخاطبین ایام رسول الله ﷺ با موضوعات علمی آشنائی نداشتند و تنها چیزی که آن‌ها را در این آیات حیرت‌زده می‌ساخت، همان طرز همخوانی الفاظ و معانی آن بود و موضع آن را منحیث توانایی الله سبحانه و تعالی می‌دانستند، یعنی این نوع آیات از قبیل معجزه‌ای نیست که برای صدق پیامبر ﷺ به قومش باشد.

۶. خلاصه اینکه وجه معجز بودن قرآن کریم در طرز بیان فصیح و بلیغ آن می‌باشد که آن چلنج به عرب‌ها بود، یعنی قرآن عرب‌ها را به خاطر اثبات نبوت رسول الله ﷺ با اعجاز علمی با وجودی که معجزه‌اش بود چلنج نمی‌داد. ... الله متعال تمام انسان‌ها و جنیبات را از آوردن مثل قرآن چلنج داده است که هرگز آورده نمی‌توانند؛ و لو که همه‌ای شان دست به دست هم دهند، طوری که الله متعال فرموده:

﴿قُلْ لئن اجتمعت الإنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾

[اسراء: 88]

ترجمه: بگو اگر انس و جن گرد آیند، بر آنکه مثل این قرآن آورند، هرگز نمی‌توانند مثل اش آورند و اگرچه برخی از آنان یاور برخی (دیگر) باشند.

به این ترتیب، معجزه‌ای که رسول الله ﷺ برای اثبات نبوت‌اش مردم را چلنج داد، همین قرآن کریم است.

برادر شما عطاء ابن خليل ابورشته

8 رمضان 1438 هـ.ق

3 جون 2017 م